

در قسمت دوم مقاله پیرامون اهمیت صلح برای ملت و جامعه صحبت مفصل صورت گرفت اکنون در این قسمت اهمیت صلح را برای فرد مسلمان مورد بررسی قرار میدهم.

فرد مسلمان، عنصر اساسی ساختار یک خانواده مسلمان و بالآخره یک مجتمع اسلامی را تشکیل میدهد؛ لذا در پیوند به صلح و آشتی، توجه به فرد مسلمان از اهمیت به سزایی برخوردار است، روی همین علت پیامبر ﷺ این جمله را سه بار تکرار نموده فرمودند: «إِنَّمَا الدِّينُ النَّصِيحَةُ» یعنی دین همانا نصیحت و خیر اندیشی است. اصحاب سوال نمودند: لمن یا رسول الله؟، یعنی نصیحت برای چه کسی؟ فرمودند: «لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ عَامَتِهِمْ»^(۱)، فرمودند: برای خدا و برای کتابش و رسولش و برای پیشوایان مسلمانها، و برای همه مسلمین.

عامه مسلمانان افراد مجتمع اسلامی اند، و نصیحت برای آنان به وسیله ایجاد اصلاح میان آنها صورت می گیرد^(۲).

اکنون اهمیت صلح را در پیوند با فرد مسلمان از لابلای نکات ذیل میتوان بررسی کرد:

۱- صلح سبب محافظت و پاسداری از دین می گردد:

محافظت بر دین و پاسداری از آن یکی از مهمترین مقاصد شریعت اسلامی به شمار میرود؛ زیرا الله متعال زمانیکه اسلام را به عنوان دین پسندیده ی خود برای جهانیان عرضه نمود ما مسلمانان را مامور ساخت تا از آن پاسداری نماییم، طوریکه فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُونُوا لِحُكْمِ الْإِنْسَانِ وَلَا تَمُونُوا لِحُكْمِ الْإِنْسَانِ﴾ آل عمران: ۱۰۲

"ای کسانی که ایمان آورده اید! آن چنان که حق تقوا و پرهیزکاری است از خدا پرهیزید، و از دنیا نروید مگر اینکه مسلمان باشید (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر حفظ کنید)".

و در عین زمان ما را از هر نوع تفرق و اختلاف باز داشته و از نعمت خاص الفت و همدلی یاد آور شده فرمود: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۳

"و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود بیاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دلهای شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید".

هم چنان پیامبر ﷺ از خراب شدن روابط و پیدا شدن تنشها بر حذر داشته فرمودند: «إياكم و سوء ذات البين فإنها الحالقة»^(۳)

"از تفرقه و دشمنی پرهیزید که این امر، دین شما را از بین میبرد".

و از ابو درداء رضی الله عنه روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «ألا أخبركم بأفضل من درجة الصيام والصدقة والصلاة؟ قال: قلنا: بلى، قال: إصلاح ذات البين، و فساد ذات البين هي الحالقة»^(۴)

"آیا شما را به انجام عملی راهنمایی نکنم که از اجر و پاداشی فراتر از روزه، نماز و صدقه برخوردار است؟ عرض کردند: بلی ای رسول خدا! فرمود: «إصلاح ذات البين فإن فساد ذات البين هي الحالقة». یعنی: "ایجاد صلح و آشتی میان مردم؛ چراکه تفرقه و اختلاف، دینشان را از بین میبرد".

هم چنان از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: «دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَّةِ قَبْلَكُمْ، الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ، لَا أَقُولُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ، وَلَكِنْ تَحْلِقُ الدِّينَ»^(۵).

یعنی مواظب باشید که درد و مرض امت های قبلی به شما نیز راه پیدا کرده که عبارت از مرض حسد و بدبینی است، و این آفتها از بین برنده است، نمی گویم که موی را از بین می برد بلکه دین را از بین می برد.

۲- صلح، خوشنودی، عفو و مغفرت خداوند را بیار می آرد:

اهمیت دیگر صلح و آشتی برای فرد مسلمان این است که صلح رضایت و خوشنودی، عفو و مغفرت خداوند را بیار می آورد؛ زیرا جزاء و پاداش همیشه از جنس همان عملی است که انسان انجام میدهد، پس کسیکه زندگی اش را میان مردم در شقاق و مشاجره، بغض و دشمنی سپری می نماید، از عفو و مغفرت خداوند محروم می ماند، چنانچه از ابوبهره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «تعرض الأعمال في كل اثنين وخميس، فيغفر الله عز وجل في ذلك اليوم لكل امرئ لا يشرك الله شيئاً، إلا امرأ كانت بينه وبين أخيه شحناء، فيقول: اتركوا هذين حتى يصطلحا»^(۶).

"اعمال در هر روز دو شنبه و پنجشنبه پیش می شود و خداوند هر شخصی را که به خدا چیزی شریک نمی آورد می آمرزد، مگر آنکه میان او و برادرش دشمنی باشد، پس می فرماید: این دو را بحال شان بگذارید تا با هم صلح نمایند".

و در یک روایت صحیح مسلم آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «تفتح أبواب الجنة يوم الاثنين والخميس، فيغفر لكل عبد لا يشرك بالله شيئاً، إلا رجل كان بينه وبين أخيه شحناء، فيقال: انظروا هذين حتى يصطلحا، انظروا هذين حتى يصطلحا، انظروا هذين حتى يصطلحا»^(۷).

" درهای بهشت روز دو شنبه و پنجشنبه باز می شود و برای هر بندهء که به خدا شریک نمی آورد، آموزش می شود، مگر مردی که میان او و برادرش دشمنی و عداوت باشد و گفته می شود: این را به تأخیر اندازید تا با هم صلح و آشتی نمایند." و از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: « یطلع الله إلى جميع خلقه ليلة النصف من شعبان، فيغفر لجميع خلقه إلا لمشرك أو مشاحن»^(۸).

خداوند متعال شب پانزدهم شعبان به بندگانش توجه مینماید و تمام بندگان را مغفرت می کند به استثنای مشرک و کسانیکه دشمن سرسخت همدیگر بوده باشند.

پس کسیکه گذشت نماید، الله تعالی از وی نیز گذشت می نماید، و کسیکه ببخشد خداوند نیز او را مورد بخشش قرار میدهد، و کسیکه میان مردم صلح و آشتی بیاورد، خداوند کار و آموزش را اصلاح می سازد، طوریکه از انس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: « من أصلح بين الناس أصلح الله أمره، وأعطاه بكل كلمة تكلم بها عتق رقبة، ورجع مغفوراً له ما تقدم من ذنبه»^(۹). کسیکه میان مردم اصلاح بیاورد، الله متعال کارش را درست می کند و در برابر هر کلمه صلح آموزش ثواب آزادی یک برده را عطا می کند، و در حالی از مجلس صلح بر میگردد که تمام گناهان سابقه اش مغفرت گردیده است.

۳ - صلح و آشتی بخل را از بین برده نفس انسان را به سخاوت مندی وادار می سازد:

بخل توأم با حرص که شح نامیده می شود در نفوس بشری موجود بوده و یکی از غرائز انسانی به شمار میرود، پس هر انسان بر اساس خواست نفس و غریزه اش باید بخل ورزد، و همین بخل در برابر هر خیر و نیکی مانع قرار میگیرد؛ لذا خداوند متعال در قرآن کریم صلح را خیر محض توصیف نموده سپس از بخل به عنوان یک پدیده ی موجود در نفس انسان یاد آور شده فرمود: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ﴾ النساء: ۱۲۸.

در این آیت، جمله: ﴿وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ﴾ که یک جمله اعتراضیه است بیانگر این حقیقت است که شح و بخل با نفس انسان در مجاورت و ملازمت قرار دارد و هیچ وقت از انسان جدا نمیشود^(۱۰)، هم چنان این جمله معترضه بیانگر این حقیقت است که شح و بخل از صلح و آشتی باز میدارد؛ لذا زمخشری در تفسیر این آیت میگوید: طبیعت زن این است که از سهم و غیر سهم اش هیچ نوع گذشت نمی کند، و مرد نیز زمانیکه زنی را خوب نبیند آماده نیست تا برایش سهمی قائل شود و یا حتی آن را نزدش نگهدارد^(۱۱) زمانیکه حقیقت چنین باشد پس صلح و آشتی است که این بخل را از بین می برد و نفس را بر سخاوت مهار می سازد؛ لذا خداوند متعال فرموده است: ﴿وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ النساء: ۱۲۸. " و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمائید) خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد)".

یعنی اگر بوسیله قائم ماندن بر زندگی زنا شوهری با زنان تان نیکی کنید و از سرکشی و اعراض و آنچه به خصومت و اذیت بیانجامد پرهیز نمائید، پس الله به آنچه انجام میدهید آگاه است^(۱۲).

سپس زمخشری در کشاف داستان جالبی را در مورد احسان آورده گفته است: عمران بن حطان خارجی از بد قیافه و بدشکل ترین انسانها بود اما زنش از جمله زیبا ترین زنان بود، روزی زنش رویش را بطرف عمران کرد و الحمد لله گفت. شوهرش گفت: خیر باشد چرا چنین گفتی؟ زنش گفت: من حمد الله را به این سبب گفتم که من و تو هردو از اهل بهشت خواهیم بود. شوهرش گفت: چطور؟ زنش گفت: چون به تو همانند من یک زن زیبا داده شده و تو حتما شکرش را بجا آوردی و به من مثل تو یک شوهر بد قیافه داده شد و من صبر کردم، و الله متعال به بندگان صبرکننده و شکر کننده وعده بهشت را داده است^(۱۳).

۴ - اصلاح یک تجارت سودمند و صدقه بس بزرگی است که سبب خوشنودی خداوند می گردد:

اصلاح آوردن میان مردم از بزرگترین اعمال نیک نزد خداوند به شمار میرود؛ زیرا عمل اصلاح یک تجارت سودمند و عمل بسیار نیکی است که خدا و رسولش آن را دوست دارند، طوریکه از انس رضی الله عنه روایت شده که رسول الله به ابو الدرداء رضی الله عنه گفتند: « ألا أدلك على تجارة؟ قال: بلى، قال: صل بين الناس إذا تفاسدوا و قرب بينهم إذا تباعدوا ، وفي رواية: ألا أدلك على عمل يرضاه الله و رسوله قال: بلى، قال: صل بين الناس إذا تفاسدوا و قرب بينهم إذا تباعدوا»^(۱۴).

آیا ترا به تجارتي رهنمایی نکنم؟ ابوالدرداء گفت: آری چرا نی؟ فرمود: میان مردم سازش بیار زمانیکه روابط ایشان خراب گردد، میان آنها قرب را ایجاد کن زمانیکه از هم دور شوند. در یک روایت دیگر آمده: آیا من ترا به عملی رهنمایی نکنم که الله و رسولش می پسندد؟ گفت: آری. گفت: فرمود: میان مردم سازش بیار زمانیکه روابط ایشان خراب گردد، میان آنها قرب را ایجاد کن زمانیکه از هم دور شوند.

و عن أبي أيوب قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: يا أبا أيوب الا أدلك على صدقة يجيها الله ورسوله؟ تصلح بين الناس إذا تباعدوا و تفاسدوا

و از ابو ایوب رضی الله عنه روایت شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله برایم گفت: ای ابو ایوب! آیا ترا رهنمایی نکنم بر صدقه‌ی که الله و رسولش آن را دوست دارند؟ آن صدقه این است که میان مردم زمانیکه با هم بدبین شدند و روابطشان به تیرگی گرائید، اصلاح بیار. و لفظ اصبهانی این چنین است: «ألا أدلك على صدقة يحب الله موضعها؟ قال: قلت بأبي أنت وأمي، قال: تصلح بين الناس، فإنها صدقة يحب الله موضعها».

آیا من ترا رهنمایی نکنم بر صدقه‌ای که الله متعال محل آن صدقه را خوش دارد؟ من گفتم: پدر و مادرم فدایت باشد رهنمایی ام کنید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: صلح و آشتی را قایم کن میان مردم؛ زیرا این یک صدقه‌ای است که خداوند محل آن را دوست میدارد.

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «كل سلامي من الناس عليه صدقة، كل يوم تطلع فيه الشمس تعدل بين الاثنين صدقة، وتعين الرجل على دابته فتحمله عليها أو ترفع له عليها متاعه صدقة، والكلمة الطيبة صدقة، وبكل خطوة تخطوها إلى الصلاة صدقة، وتميط الأذى عن الطريق صدقة»^(۱۶).

"بر هر مفصل و بند از مردم در هر روزی که آفتاب می تابد، صدقه لازم است. میان دو کس عدالت می کنی صدقه است. مردی را در بار کردن سواری اش یاری می کنی یا خودش را بر آن سوار می کنی صدقه است. سخن نیکو صدقه است، و به هر گامی که بسوی نماز می نهی صدقه است. دور کردن اذیت رساننده از راه صدقه است!"

و معنی «تعدل بین اثنين» این است که میان دو فرد بر اساس عدل و انصاف اصلاح بیاری^(۱۷).

در مورد ارتباط حدیث با (باب فضل الإصلاح بين الناس والعدل بينهم) که امام بخاری حدیث را تحت آن آورده است برخی یک اشکال را مطرح نمودند که در باب فضیلت اصلاح ذکر شده اما در حدیث تنها فضیلت عدل ذکر شده است؟ در جواب این اشکال ابن المنیر گفته است: زمانیکه همه مردم را به عدل فرا خوانده شده، مسلماً بین مردم حکام و غیر حکام همه حضور دارند پس عدل به حاکم و اصلاح به دیگران تعلق میگیرد.

و برخی گفته اند که اصلاح نوعی از عدل است پس عطف عدل بر آن از باب عطف عام بر خاص است^(۱۸).

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما عمل ابن آدم شيئاً أفضل من الصلاة، وصلاح ذات البين، وخلق حسن»^(۱۹).

بنی آدم بهتر از نماز، اصلاح ذات البین و اخلاق نیکو هیچ عملی را انجام نداده است.

و از عبد الله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أفضل الصدقة إصلاح ذات البين»^(۲۰).

یعنی بهترین صدقه اصلاح امور ذات البینی است.

۵- فرد مصلح تحت رعایت الله قرار داشته و الله متعال کارهایش را درست می کند:

از انس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من أصلح بين الناس أصلح الله أمره، وأعطاه بكل كلمة تكلم بها عتق رقبة، ورجع مغفوراً له ما تقدم من ذنبه»^(۲۱).

"کسیکه میان مردم اصلاح بیارد، الله متعال کارش را درست می کند و در برابر هر کلمه صلح آمرزش ثواب آزادی یک برده را عطا می کند، و در حالی از مجلس صلح بر میگردد که تمام گناهان سابقه اش مغفرت گردیده است!"

فرد مصلح را الله متعال رعایت و حفاظت نموده کارش را درست می کند و نزد الله متعال از مراتب و درجات برتری بر خوردار گردیده، و در دلهای مردم نیز محبوبیت و جایگاه خاصی را کسب می کند. روی همین علت حسن بن علی رضی الله عنه مستحق مدح پدر بزرگش پیامبر صلی الله علیه و آله گردید، طوریکه فرمودند: «إن ابني هذا سيد، و لعل الله أن يصلح به بين فئتين عظيمتين من المسلمين»^(۲۲).

"یقیناً این فرزند من سید و سر دار مردم است و امید می کنم که الله متعال بوسیله وی بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح و آشتی را قائم نماید!"

هم چنان دو مردی که بین دو قبیله عبس و زییان صلح را بر قرار ساخت توسط زهیر بن ابی سلمی مدح گردید و در بیتش از آنها یاد آور شده گفت:

مییناً لنعم السیدان وجدتما *** علی کل حال من سحیل ومیرم.

فهرسی ماخذ:

(۱) - مسند أحمد (۱۶۹۴۰) ۲۸ / ۱۳۸ و در موردش گفته شده: صحیح علی شرط مسلم

(۲) - تنبيه الغافلين تالیف سمرقندی ص ۴۱۲.

(۳) - حدیث حسن است، ترمذی در سنن (۲۵۰۸) ۴ / ۶۶۳ روایت نموده و گفته است: حدیث صحیح غریب.

(۴) - این حدیث صحیح است و آن را أبو داوود در سنن (۴۹۱۹) ۴ / ۲۸۰، و امام بخاری در الأدب المفرد (۳۹۱) روایت نموده و ترمذی در سنن

(۲۵۰۹) ۴ / ۶۶۳، و ابن حبان در صحیحش (۱۹۸۲) آن را صحیح دانسته اند.

(۵) - حسن: مسند أحمد (۱۴۱۲) و (۱۴۳۰) و (۱۴۳۲).

(۶) - صحیح مسلم (۲۵۶۵) ۴ / ۱۹۸۷.

- (۷) - صحیح مسلم (۲۵۶۵)، ۴ / ۱۹۸۷.
- (۸) - حسن: رواه الطبرانی فی الأوسط (۶۷۷۶)، وابن حبان فی صحیحہ (۵۶۶۵)، وحسنہ الالبانی (السلسلة الصحيحة ۱۱۴۴)، وقال الأرئووط: صحیح بشواہده، وروی البیهقی من حدیث ابی بکر الصدیق رضی اللہ عنہ بنحوہ یاسناد لا بأس بہ.
- (۹) - رواه الأصبهانی، وقال المنذری: حدیث غریب جدا.
- (۱۰) - الجامع لأحكام القرآن از قرطبی ۵ / ۴۰۶، تفسیر کشاف از زمخشری، ۱ / ۵۶۸، والرازی: تفسیر کبیر از رازی ۱۱ / ۶۸، فتح القدیر از شوکانی، ۱ / ۵۸۶.
- (۱۱) - تفسیر کشاف از زمخشری ۱ / ۵۶۸.
- (۱۲) - تفسیر کشاف از زمخشری ۱ / ۵۶۸، تفسیر کبیر از رازی، ۱۱ / ۶۸.
- (۱۳) - تفسیر کشاف از زمخشری ۱ / ۵۶۸.
- (۱۴) - رواه البزار والطبرانی.
- (۱۵) - رواه الطبرانی.
- (۱۶) - صحیح البخاری، کتاب الصلح، باب ۵۸۴، حدیث ۹۱۱.
- (۱۷) - ریاض الصالحین از امام نووی، ص ۱۱۱.
- (۱۸) - فتح الباری از حافظ ابن حجر عسقلانی، (۲۷۰۷) ۵ / ۳۶۴.
- (۱۹) - شعب الإیمان للبیہقی، باب ۷۶، حدیث ۱۱۰۹۱، ۷ / ۴۸۸.
- (۲۰) - رواه الطبرانی والبزار، وفی إسنادہ عبدالرحمن بن زیاد بن أنعم، وحديثه هذا حسن لحدیث أبی الدرداء.
- (۲۱) - رواه الأصبهانی، وقال الحافظ المنذری: حدیث غریب جدا.
- (۲۲) - صحیح البخاری، کتاب الصلح، باب ۵۸۲، حدیث ۹۰۸، ۴ / ۳۶۵.